

# پسوندهای فعل‌ساز در زبان ترکی آذری و مقایسه آن با زبان فارسی

دکتر علی طاهری\*

محمد صیدی\*\*

## چکیده

یکی از مواردی که موجب افزایش توانایی‌های زبان می‌شود، امکان استفاده از پسوندهایی است که با به کار گرفتن آنها فعل‌های جدید از اسم ساخته می‌شود و این موضوع باعث غنای واژگانی زبان و گسترش دایره آن می‌گردد. زبان فارسی برای ساختن فعل از اسم، دارای محدودیت است، درحالی که در زبان ترکی (آذری) پسوندهای بسیاری در این مورد وجود دارد و همین امر موجب می‌گردد ضمن بالا بردن توان ترجمه‌ای زبان ترکی و همراهی آن با گسترش روزافزون حوزه واژگان، از قید استفاده از فعل‌های مرکب رها گردد و بر میزان اشتقاق فعلی آن افزوده شود. زبان فارسی برای جبران این محدودیت به ساختن فعل‌های مرکب گرایش دارد و برای مفاهیم جدید از این الگو استفاده می‌کند. در این مقاله سعی شده است ضمن مقایسه امکانات زبان ترکی با زبان فارسی، پسوندهای فعل‌ساز ترکی معرفی و انعطاف‌پذیری‌های این زبان آشکار گردد.

## واژه‌های کلیدی

پسوند، فعل، اسم، اشتقاق، زبان ترکی، زبان فارسی.

\* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، گروه زبان و ادبیات فارسی، ایران، همدان.

\*\* مدرس مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان و دانشگاه بوعلی سینا.

**مقدمه**

یکی از ویژگی‌های زبان، زایایی یا خلاقیت آن است. زایایی واژگانی به اهل زبان امکان می‌دهد تا همراه با تغییراتی که در جامعه آنها رخ می‌دهد واژه‌های تازه بسازند و کارآیی خود را با نیازمندی‌های خود متناسب گردانند. (باطنی، بی‌تا)

پیشرفت و توسعه هر رشته علمی به گسترش واژگان متناسب با آن رشته نیاز دارد و به کمک این واژگان است که انتقال مفاهیم با دقت و روشنی امکان‌پذیر است. (صفا، مقدم، ۱۳۷۳: ۱) یکی از راه‌های گسترش دایره واژگانی هر زبان ساخت فعل از اسم و به کارگیری آن در معادل‌سازی واژه‌های بیگانه است. اگر بخواهیم به میزان زایایی یک زبان پی ببریم و احتمالا آن را با زایایی زبان‌های دیگر مقایسه کنیم باید ببینیم در آن زبان با چه درجه از سهولت می‌توان از یک مقوله دستوری به مقوله دیگر رفت. از میان تغییرات اشتقاقی گوناگون، آن‌که از همه مهم‌تر است گذر از مقوله اسم یا صفت به مقوله فعل است و دلیل این امر نیز آن است که خود فعل از زایایی زیادی برخوردار است و می‌توان از آن مشتق‌های زیادی به دست آورد (باطنی، بی‌تا). در بین زبان‌ها، زبان عربی و انگلیسی استعداد شگرفی در ساخت فعل از اسم دارند. زبان فارسی به دلیل گرایش به کاربرد فعل‌های مرکب توان باستانی خود را در ساخت فعل از اسم، از دست داده و وندهای باستانی‌اش سترون شده است (هاجری، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۲)، (ناتل خانلری، ۱۳۸۲، دستور تاریخی زبان فارسی: ۱۵۲) زبان ترکی نیز با وجود این که یک زبان پیوندی است و دارای چندین پسوند فعل‌ساز اسمی است اما ورود بی‌رویه واژگان خارجی تا حدودی از کارآیی این پسوندها می‌کاهد و فضا را برای ساخت ترکیبی گسترده‌تر می‌کند. (zülfiyar, 1997: 421).

**تعریف وند**

برخی در تعریف وند گفته‌اند که «وند» یا جزء پیوندی، تکواژی است که معنی مستقل ندارد و در ساخت واژه یا صرف آن به کار می‌رود (Youle, 2006: 236). (ناتل خانلری، ۱۳۸۲: دستور زبان فارسی، ۱۶۳). وندی که در ساخت واژه به کار می‌رود، و معنی شناختی آن

را تغییر می‌دهد «وند اشتقاقی» نام دارد و وندی که شکل صرفی را تغییر می‌دهد «وند صرفی» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۵۳). هم‌چنین برخی، وند را از انواع واژگ مقید گفته‌اند که به تنهایی و به طور مستقل به کار نمی‌رود (مدرسی، ۱۳۸۶: ۴۴۹) برخی از نویسندگان وندواره‌ها و بن‌های فعل‌های ماضی و مضارع را نیز جزء وندهای زبان فارسی ذکر کرده‌اند که با تعریف علمی وندسازگاری ندارد (هاجری، همان: ۲۶).

### تقسیم‌بندی وند

در تقسیم‌بندی وندها بیشتر دستورنویسان زبان فارسی اعتقاد به سه نوع وند (affix) دارند و آن را در نظر محل قرار گرفتن نسبت به پایه به سه گونه نوشته‌اند.

۱- پیشوند (prefix) آن است که در آغاز می‌آید مانند «هم» در همسفر، «نا» در نادرست

۲- پسوند (suffix) که در پایان پایه می‌آید «زار» در گلزار و «مند» در دردمند

۳- میانوند (infix) که به درون پایه افزوده می‌گردد. مانند «تاب» در سرتاسر، «وا» در رنگ

و ارنگ (وحیدیان کامیار، همان: ۲۵۴)، (انوری و گیوی، ۱۳۷۳: ۲۹۹)، (Yole, 1996: 69).

در این مقاله از انواع وند، فقط به معرفی و توضیح پسوندهایی خواهیم پرداخت که در زبان فارسی و ترکی، از اسم، فعل می‌سازند.

۱- پسوندهایی که در زبان فارسی از اسم، فعل می‌سازند:

در فارسی باستان و میانه قدرت ساخت فعل از اسم بیشتر بوده است که در فارسی نو کاهش یافته زیرا وندهای باستان منسوخ شده و زبان فارسی به ساخت فعل‌های مرکب گرایش یافته است.

در زبان فارسی باستان با پسوندهای ya و a از اسم و صفت افعال جدید ساخته می‌شد. مانند namah تعظیم namuhya تعظیم کردن و یا aēnah گناه و aeneha گناه کردن (ابوالقاسمی

۱۳۷۵: ۱۵۰). در فارسی نو، پسوند «-یدن» [idan]، «-انیدن» [-ānidan] و «-اندن»

[-andan] از اسم و صفت مصدر جدید یا مصدر جعلی (و پسوند «-ید» [id] از اسم،

فعل) می‌سازد که در گذشته کارایی بیشتری داشته و امروزه کم کاربرد شده است و برخی از

دستورنویسان پیشنهاد می‌کنند برای ساختن مصادر از واژگان عربی و غربی باید این وند را فعال کرد. (یاسمی و دیگران، ۱۳۶۲:۱۲۰)

الف) در ساخت مصدر از اسم.

مانند: جنگ ← جنگیدن، جنگید. و مانند: کوچ ← کوچیدن، کوچاندن، کوچانیدن،

کوچاند و کوچانید.

ب) در ساخت مصدر از صفت:

مانند: دزد ← دزدیدن، لنگ ← لنگیدن (وحیدیان، همان: ۳۵-۳۱) و مانند: ترش ←

ترشیدن، ترشاندن و ترشانیدن.

۲- پسوندهایی که در زبان ترکی از اسم فعل می‌سازند:

در زبان ترکی پسوندهای فعل‌ساز اسمی بسیاری وجود دارد که در این مقاله به معرفی مهم‌ترین آنها می‌پردازیم. اگر از تمام ظرفیت این پسوندها استفاده شود می‌توان در زبان ترکی هزاران فعل (یا مصدر) جدید ساخت و با افزودن پسوندهای اسم ساز فعلی چند میلیون واژه نو به وجود آورد.

تعدادی از پسوندهای فعل‌ساز اسمی با پسوندهای فعل‌ساز فعلی مشترک هستند. این پسوندها هم از بن فعل، فعل جدیدی می‌سازند و هم از اسم، مثال برای بن فعلی *sürmək* (راندن، حمل کردن، شخم زدن) *sürümək* (خزیدن) مثال برای بن اسمی، *dil* (زبان) *diləmək* (آروز کردن).

در زبان ترکی به دلیل اینکه پسوندها باید با واکه‌های پیش از خود هم جنس شوند گاه یک پسوند، چند شکل به خود می‌گیرد، مانند *[da-də-ta-tə]* یا *[si-su sü]*. (Redhouse, 1998:752)

۱- پسوند *[da-də]*، این پسوند علاوه بر اسم و صفت گاه از اصوات نیز فعل می‌سازد. *tox* (بهبود یافتن) *toxlamaq* (سیر) *ündəmək* (صدا زدن) *ün* (آوا) *parildamaq* (درخشیدن) *paril* (درخشان) در زبان فارسی برای ساختن این گونه افعال چنان که دیده می‌شود باید از افعال مرکب استفاده کرد وقتی که این پسوند از فعل ناگذرا، فعل گذرا بسازد در زبان فارسی

برای معادل‌سازی آن باید از یک عبارت فعلی استفاده کرد. (Tosun,2005,1985).  
مانند: dirmaşdirmaq به معنای کسی را به بالا رفتن از ارتفاع وادار کردن.

۲- پسوند [dan-dən] این پسوند از اسم، فعل عطفی می‌سازد. مانند toxdanmaq (خود به خود بهبود یافتن) qimildanmaq (خود به خود جنبیدن) aldanmaq (فریب خوردن).

۳- پسوند [daş-dəş] این پسوند از اسم، افعال دو طرفه یا دو سویه می‌سازد که در زبان فارسی معمولاً از باب مفاعله یا تفاعل زبان عربی یا از افعال مرکب استفاده می‌شود.  
qimildaşmaq (با هم جنبیدن) toxdaşmaq (با هم بهبود یافتن).

۴- پسوند [dat-dət] برای گذرا کردن پسوند [da-də] به کار می‌رود. مانند toxdatmaq (بهبود دادن) aldatmaq (فریب دادن).

۵- پسوند [a-ə] این پسوند از بن فعل و اسم، فعلی نو می‌سازد و کاربرد نسبتاً وسیعی دارد شکل باستانی آن [ga-gə] بوده است که امروز به شکل [a-ə] به کار می‌رود.  
[Tekin,1953:198] yaşamaq (زیستن) yaş (عمر) diləmək (آرزو کردن) dil (زبان) qanamaq (طلاق دادن) boş (تهی، خالی) düşmək (رؤیا دیدن) düş (رؤیا) qanamaq (خون‌ریزی کردن) qan (خون) donamaq (گت به تن کردن) don (کت) döşmək (فرش کردن) döş (سینه) xarcamaq (خرج کردن) xarc (خرج) bezəmək (آراستن) bez (پارچه) dəstəmək (حمایت کردن) dest (دست) sabtamaq (ثبت کردن) sabt (ثبت) (1999, 253) Hengirmen این پسوند فعل‌ساز را با پسوند «انیدن» و «آیندن» فارسی می‌توان مقایسه کرد.

۶- پسوند [an-ən] از اسم، فعل مجهول یا فعل جدیدی می‌سازد.  
bezənmək (آراسته شدن) dilənmək (گدایی کردن) döşənmək (مفروش شدن) gücənmək (به خود زور زدن) utanmaq (خجالت کشیدن).

۷- پسوند [aş-əş] برای ساخت افعال و یا مصادر دو وجهی از اسم به کار می‌رود.  
dirəşmək (با هم مقاومت کردن) bezəşmək (با هم آرایش کردن) diləşmək (با هم آرزو کردن) sataşmaq (با هم روبرو شدن). در زبان فارسی برای ساخت افعال دو وجهی عموماً از حرف اضافه «هم» استفاده می‌شود. مانند «هم پوشانی».

۸- پسوند [at-ət] برای گذرا کردن وند [a-ə] و یا برای دوباره گذرا کردن افعال گذرا به کار می‌رود مانند bezətmək (وادار به آراستن کردن) qanatmaq (وادار به خون‌ریزی کردن) dōşətmək (وادار به مفروش کردن) düşətmək (وادار به رؤیا دیدن کردن). البته در زبان فارسی نیز پسوند نیمه صرفی - نیمه اشتقاقی «-اند» ضمن متعدی نمودن فعل لازم، مانند دوید ← دواند، فعل متعدی را نیز گذرا می‌کند فهمید ← فهماند - کوچید ← کوچاند

۹- پسوند [ar-ər] این پسوند علاوه بر اسم، از رنگ‌ها هم فعل می‌سازد که در زبان فارسی این نوع ساخت وجود ندارد ولی در زبان عربی مصدر باب «افعال» نقش این پسوند ترکی را ایفا می‌کند. در زبان فارسی برای معادل‌سازی این وند از مصدر «گراییدن» و مصدر فعل ربطی «شدن» استفاده می‌شود. مانند «سرخ شدن یا به سرخی گراییدن».

saralmaq (به زردی گراییدن) qizarmaq (سرخ شدن، برافروختن) ağarmaq (به سفیدی گراییدن) qaralmaq (به سیاهی گراییدن) bəəərmək (توانستن) başarmaq (موفق شدن).

۱۰- پسوند [al-əl] این پسوند بیشتر از صفت‌ها و رنگ‌ها فعل می‌سازد.

daralmaq (تنگ شدن) çoğalmaq (زیاد شدن) azalmaq (کم شدن - کمیاب شدن) yönəlmək (جهت یافتن) dincəlmək (سرحال شدن) çoxalmaq (زیاد شدن) çox (زیاد) azalmaq (کم شدن - کمیاب شدن) az (کم) gencəlmək (جوان شدن) genç (جوان) daralmaq (تنگ شدن) dar (تنگ) (طاهری، صیدی، ۱۳۸۷: ۶).

۱۱- پسوند [t] پسوند [al-əl] را گذرا می‌سازد.

daraltmaq (تنگ کردن) çoxoltmaq (تکثیر کردن) azaltmaq (کم کردن) düzəltmək (تصحیح کردن) gençəltmək (جوان کردن).

۱۲- پسوند [i-u] در ترکی چندین فعل با این پسوند به کار می‌رود و برخی از زبان‌شناسان این پسوند را با پسوند [u-ə] یکی می‌دانند. در هر صورت این پسوند از اسم، فعل می‌سازد و گاه به بن فعلی هم افزوده می‌شود (Banguoğlu, 2002, 481).

مانند: Daşımaq (حمل کردن) daş (سنگ) qaşımaq (خارانندن) qaş (ابرو) çürümək (پوسیدن) qorumaq (محافظت کردن) irimaq (درشت شدن) toxumaq (بافتن).

۱۳ - پسوند [t] پسوند [i-u] را گذرا می‌کند.

مانند: *Qaşıtmaq* (وادار به خاراندن کردن) *iritmək* (درشت کردن) *daşıtmaq* (وادار به

حمل کردن) *qorutmaq* (وادار به محافظت کردن).

چنان‌که در ترجمه فعل‌ها دیده می‌شود در فارسی باید برای معادل‌سازی یک عبارت فعلی

حتی از یک جمله استفاده کرد، چنان‌که در مثال‌های بالا قابل ملاحظه است.

۱۴ - پسوند [ix-uq-ük] این پسوند به اسم، قید و صفت اضافه می‌شود و آن را به فعل

تبدیل می‌کند *gecixmək* (دیر کردن) *gec* (دیر) *birixmək* (مترکم شدن) *bir* (یک)

*gözükmək* (مراقبت کردن) *göz* (چشم) *tezixmək* (تعجیل کردن) *tez* (سریع، زود)

*acixmeq* (گرسنه شدن) *ac* (گرسنه) *darixmaq* (دل‌تنگ شدن) *dar* (تنگ) (Aksun,

2008,29).

۱۵ - پسوند [sa-sə] این پسوند از اسم و بن فعل، فعل می‌سازد با این تفاوت که اگر به

بن فعل اضافه شود بیشتر به معنی آرزو کردن، تمنا کردن، مطالبه و درخواست است و آن را

می‌توان با مصدر باب «استفعال» زبان عربی مقایسه کرد. درحالی‌که در زبان فارسی از

مصدرهای خواستن و گرفتن استفاده می‌شود. مانند «استشهاد» (گواهی خواستن) یا (گواه

گرفتن)

*ölsəmək* (طلب مرگ کردن) *atsamaq* (میل به پرتاب کردن) *emsəmək* (طلب مکیدن

کردن).

اگر این پسوند به اسم یا اسم مصدرهای مختوم به *im-um* و صفت مفعولی مختوم به *ik-*

*uq* اضافه شود بیشتر احساس، علاقه‌مندی و تعلق خاطر را بیان می‌کند.

*evsəmək* (علاقه‌مند به خانه شدن) *ev* (خانه) *susamaq* (تشنه شدن) *su* (آب)

*bilimsəmək* (گرایش به دانستن) *bilim* (علم) *ersəmək* (علاقه به شوهر پیدا کردن)

*önəmsəmək* (اهمیت قائل شدن)

(Təkin, 1968 :75).

۱۶ - پسوند [san- sən] برای مجهول کردن و مطاوعه پسوند [san.sən] به کار می‌رود.

*bilimsənəmək* (به علم مایل شدن) *ərsənəmək* (به شوهر مایل شدن) *susanmaq* (تشنه

شدن) evsənmək (به خانه مایل شدن).

۱۷- پسوند [sat- sət] برای گذرا کردن پسوند [sa-sə] به کار می‌رود.

bilimsətmək (علاقه‌مند به دانش کردن) susatmaq (تشنه کردن).

۱۸- پسوند [ir-ur] که در ترکی باستان به صورت [gir-gūr] به کار می‌رفته است. امروزه

با اسم‌ها و آواها فعل می‌سازد.

ciğirmək (جیغ کشیدن) ciğ (جیغ) tūfurmək (تف کردن) tūf (تف) gəgirmək (آروغ

زدن) bogurmək (نعره زدن) bağirmoq (فریاد کشیدن).

۱۹- پسوند [t] برای گذرا کردن پسوند [ir-ur] به کار می‌رود.

ciğirtmək (وادار به جیغ کشیدن کردن) tūfürtmək (وادار به تف کردن نمودن)

bögürtmək (وادار به نعره زدن کردن) bağirtmaq (وادار به فریاد کشیدن کردن).

مشاهده می‌شود که زبان فارسی برخی اوقات برای ترجمه این افعال به زبان فارسی در

تنگنای معادل‌سازی قرار می‌گیرد.

۲۰- پسوند [irgə- urqa] در گذشته از اسم فعل می‌ساخته ولی امروز، دیگر کاربرد ندارد.

مانند:

azirqamaq (نادیده گرفتن) az (کم) yadırqamaq (احساس بیگانگی کردن) yad

(غریبه)

این پسوند مانند پسوندهای دیگر با پسوند t گذرا و با n مجهول و با ş دو وجهی

می‌شوند.

۲۱- پسوند [qir-qur] در چند فعل ترکی دیده می‌شود چنان‌که گفته شد امروز این وند به

صورت [ir-ur] به کار می‌رود، ولی در زبان فارسی فعل کمکی «کردن» کار این پسوند را انجام

می‌دهد.

pūfqürmək (پف کردن) fişqirmək (فوران کردن) hūngürmək (با صدای بلند

گریستن).

این پسوند با پسوند [t] گذرا می‌شود. مانند: qişqirtmək (وادار به هیاهو کردن)



fişqirtmək (وادار به فوران کردن).

۲۲- پسوند [la-lə] یکی از فعال‌ترین پسوندهای فعل‌ساز در زبان ترکی است و از اسم، صفت و قید، فعل می‌سازد. با این‌وند اسم‌های چند واکه را می‌توان به فعل تبدیل کرد. مانند araplaşmak (عرب شدن) almanlaşmaq (آلمانی شدن).

برخی از دستورنویسان پیشنهاد می‌کنند به جای به کار بردن فعل کمکی [etmək] از پسوند la-lə استفاده کنیم (Banguoglu, 2002: 421) زیرا با کاربرد این‌وند می‌توان چندین اسم و صفت مشتق ساخت در حالی که استفاده از فعل کمکی ساخت اشتقاقی را ضعیف می‌کند در زبان فارسی استفاده از فعل کمکی (کردن) توان اشتقاقی زبان فارسی را کم کرده است در حالی که با‌وند (انیدن) "anidən" می‌توان چند مشتق از فعل ساخت.

مثلاً در زبان ترکی اگر بخواهیم از مصدر تعریف عربی، با فعل کمکی فعل بسازیم تنها یک وجه ساخته می‌شود tərifetmək (تعریف کردن) در حالی که با پسوند la-lə مصدرهای متعددی ساخته می‌شود tarifləşmək (با هم تعریف کردن) tərifləmək (تعریف کردن) و با این پسوندها اگر پسوندهای اسم‌ساز اضافه شود از هر مصدر چندین مشتق می‌توان ساخت. مانند dinləmək (گوش دادن) dinləm (استماع) dinləici (مستمع). Dinlaşan (با هم گوش دهنده) dinləşmək (با هم گوش دادن) dinləşim (اسم مصدر) در برخی از اسم‌مصدرها و مصدرها نمی‌توان معادل مناسبی در زبان فارسی یافت. تنها با پسوند la-lə و همگنهایش بیش از چهل اسم‌مصدر، صفت، صفت مفعولی و غیره می‌توان ساخت، که به عنوان نمونه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

yağlamaq (روغن کاری کردن) yağ (روغن) belləmək (بیل زدن) bel (بیل) paklamaq (پاک کردن) evlənmək (ازدواج کردن) ev (خانه) toplamaq (گردآوری کردن) top (توپ) təmizləmək (پاکیزه کردن) təmiz (پاکیزه) betonlamaq (بتن‌ریزی کردن) beton (بتن) önləmək (پیشگیری کردن) ön (پیش) (فرزانه، ۱۳۵۸: ۱۲۲).

۲۳- [Lan- Lən] این پسوند، پسوند [La-Lə] را مجهول می‌کند یا از اسم مصدر جدیدی می‌سازد که معنای جدیدی دارد.

betonlanmaq (بتن ریزی شدن) beton (بتن) hazirlanmaq (آماده شدن) hazir (آماده، حاضر) yaşlanmaq (مسن شدن) yaş (عمر) ayaqlanmaq (لگدمال شدن) ayaq (پا) adlanmaq (نام گذاری شدن) ad (نام).

۲۴ - [Laş-Ləş] این پسوند، افعال دو سویه و دو طرفه از اسم می‌سازد، اما در زبان فارسی برای ترجمه چنین افعالی باید از کلمه با هم، جمعاً و همگی استفاده کرد.  
xəbərleşmək (مخابره کردن) xəbər (خبر) andlaşmaq (با هم توافق کردن) and (سوگند) dərdleşmək (درد دل کردن) dərd (درد) birləşmək (با هم متحد شدن) (نامه) gücləşmək (با هم نیرومند شدن) güc (نیرو). (بهزادی، ۱۳۸۲: ۸۲۱)

۲۵ - پسوند [Lat-Lət] برای گذرا کردن پسوند [La-Lə] به کار می‌رود.  
bellətmək (وادار به بیل زدن نمودن) başlatmaq (وادار به آغاز کردن) aǧlatmaq (گریاندن) hazirlatmaq (وادار به آماده نمودن کردن).

۲۶ - پسوند [ra-rə] در ترکی باستان کاربرد داشته و در ترکی امروز نیز کاربرد دارد. درباره این پسوند بین زبان‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد.  
برخی آن را پسوند جداگانه و برخی دیگر تغییر شکل یافته پسوند [a-ə] می‌دانند که با اضافه شدن به اسامی و صفت‌هایی که به ir-ur ختم می‌شوند به [ra-rə] تبدیل می‌گردند.  
kivramaq (چالاک شدن) təprəmək (حرکت کردن) titrəmək (لرزیدن) gökrəmək (آبی شدن) gevrəmək (کبود شدن) sıçramaq (جهیدن).

۲۷ - پسوند [ran-rən] برای مجهول کردن و ساختن وجه عطفی از پسوند ra-rə به کار می‌رود و گاه فعل جدیدی از اسم می‌سازد.  
davranmaq (رفتار کردن) öǧrənmaq (یاد گرفتن) asrənmaq (سرمست شدن) titrənmaq (به خود لرزیدن).

۲۸ - پسوند [raş- rəş] برای ساختن افعال دو سویه از اسم به کار می‌رود.  
təpraşmək (با هم تکان خوردن) titraşmək (با هم لرزیدن) öǧraşmək (با هم آموختن)

qivraşmaq (با هم چالاک شدن).

۲۹- پسوند [rat-rət] برای گذرا کردن افعال ساخته شده با پسوند [ra-rə] به کار می‌رود.

در زبان فارسی در این مورد نیز همانند بیشتر موارد ذکر شده، از افعال مرکب استفاده می‌شود.

təprətmək (به حرکت در آوردن) ôğrətmək (یاد دادن) gevrəmək (کبود کردن)

siçratmaq (جهانندن).

۳۰- پسوند [si-su] این‌وند از اسم فعل می‌سازد و معنای شباهت و احساس تعلق را بیان

می‌کند.

darsımaq (احساس تنگی کردن) dar (تنگ) yansımaq (بازتاب دادن) yan (کنار -

جنب) ayriqsımaq (احساس جدایی کردن) ayriq (جدا).

۳۱- پسوند [sin-sun] گاهی از اسم، فعل جدید می‌سازد. مانند: ğaribsinmək (احساس

غربت کردن) ğarib (غریب) təksinmək (احساس تنهایی کردن) darixsinmaq (احساس

دل‌تنگی کردن) darix (دل‌تنگ). و در برخی موارد نیز، همانند باب تفاعل عربی برای وانمود

کردن امری به کار می‌رود. مانند: gülümsinmek (اطهار خنده کردن)

۳۲- پسوند [sit-sut] برای گذرا کردن پسوند si-su به کار می‌رود.

çoxsutmaq (وادار به احساس زیادی کردن) yansıtmaq (منعکس کردن).

۳۳- پسوند [na-nə] را برخی از دستورنویسان مستقل، و برخی بدل از a-ə دانسته‌اند.

oynamaq (بازی کردن) oyun (بازی) yaşnamaq (رعد و برق زدن) yeşin (رعد و برق)

qaynamaq (جوشیدن) kişnəmək (شیهه کشیدن) çeynəmək (جویدن).

۳۴- پسوند [nat-nət] پسوند [na-nə] را گذرا می‌کند. برای ترجمه این‌گونه افعال در

فارسی باید از عبارت وادار کردن استفاده شود.

əsnətmək (وادار به خمیازه کشیدن نمودن) oynatmaq (وادار به بازی کردن نمودن)

çeynətmək (وادار به جویدن نمودن) kişnətmət (وادار به شیهه کشیدن).

۳۶- پسوند [şa-şə] این‌وند را برخی دستورنویسان بدل پسوند [a-ə] می‌دانند. برخی از

دستورنویسان نیز این‌وند را مستقل می‌دانند.

yamşamaq (نرم کردن) gevşəmək (نشخوار کردن) gōrşəmək (مشاهده کرده)  
yanşamaq (پر حرفی کردن).

۳۷ - پسوند [şan-şən] برای مجهول کردن پسوند [şa-şə] و یا برای ساخت وجه عطفی به کار می‌رود.

oxşanmaq (تشبیه شدن) yumşanmaq (نرم شدن) gevşənmək (نشخوار شدن).

۳۸ - پسوند [şat-şət] برای گذرا کردن پسوند [şa-şə] به کار می‌رود.

yumşatmaq (وادار به نرم کردن) gevşətmək (وادار به نشخوار کردن/ نمودن).

۳۹ - پسوند [za-zə] این پسوند نیز همان پسوندهای [sa-sə] [şa-şə] و [na-nə] می‌باشد.

bənzəmək (شبیه کردن - شبیه شدن) bəniz (صورت) bedzəmək (تصویربرداری کردن)  
bediz (تصویر) kavazamaq (بلند کردن).

۴۰ - پسوند [zaş-zəş] برای دو طرفه و دو سویه کردن پسوند [za-zə] به کار می‌رود.

kavzaşmaq (با هم بلند شدن) bənzəşmək (با هم شبیه شدن).

۴۱ - پسوند [zan-zən] برای مجهول کردن پسوند [za-zə] به کار می‌رود.

bənzənmək (تشبیه شدن) kavzanmaq (بلند شدن).

۴۲ - پسوند [zat-zət] برای گذرا کردن پسوند [za-zə] به کار می‌رود.

bənzətmək (تشبیه کردن) kavzatmaq (وادار به بلند کردن/ نمودن).

۴۳ - پسوند [ci-cu] به اسم اضافه می‌شود و از آن فعل می‌سازد.

yağcımək (آهسته چرب کردن) tərçimək (آهسته عرق کردن) tər (عرق).

۴۴ - پسوند [cin-cun] برای مجهول کردن پسوند [ci-cu] به کار می‌رود.

yağcinnək (آهسته چرب شدن) tərçinnək (آهسته عرقدار شدن).

۴۵ - پسوند [cit-cut] برای گذرا کردن پسوند [ci-cu] به کار می‌رود.

yağcitmaq (وادار به چرب کردن/ نمودن) tərçitmək (به عرق نمودن وادار کردن)

(Korkmaz,2008: 285).

## نتیجه

در این مقاله با مقایسه پسوندهای سازنده فعل از اسم در زبان ترکی و فارسی این نتیجه به دست می‌آید که تعداد پسوندهای زبان ترکی در این زمینه بسیار بیشتر از پسوندهای زبان فارسی است. استفاده از این پسوندها امکانات واژه‌سازی زبان ترکی را در ساختن فعل‌ها افزایش می‌دهد و این توانایی هم‌چنان قابل ادامه و گسترش خواهد بود و از طرف دیگر توان ترجمه‌ای این زبان در مواجهه با واژه‌های نو و فراوانی که در علوم و فنون بشری گسترش یافته است کافی به نظر می‌رسد، به طوری که در ترجمه متون علمی نیاز کمتری به فعل‌های مرکب یا عبارات فعلی احساس می‌شود. در حالی که در زبان فارسی به خاطر کمبود پسوندهای فعال در این مورد امکانات کمتری برای واژه‌سازی وجود دارد و مترجم ناچار به استفاده از افعال مرکب و عبارات طولانی خواهد بود. بنا بر این به نظر می‌رسد که برای رهایی زبان فارسی از این تنگنا باید پسوند [idan] را فعال‌تر کرد، تا با افزایش این نوع فعل‌ها و تولید مشتقات آن‌ها نیازمندی به ترکیبات فعلی کاهش یابد. البته در زبان ترکی نیز پسوندها می‌تواند با واژه‌های بیگانه ترکیب شود تا از این رهگذر فعل‌های جدید به دست آید و امکانات آن بیشتر شود. در حالی که همین موضوع، یعنی استفاده از عناصر قرضی در زبان فارسی و ساخت افعال به کمک وندهای اشتقاقی محل بحث و تأمل است.

## منابع و مأخذ

- ۱- ابوالقاسمی. محسن. دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: سمت، ۱۳۷۵.
- ۲- باطنی. محمدرضا. فارسی زبانی عقیم. دسترس‌پذیر در: [http://www.bbc.co.uk/persian/arts/story/2008/06/080602\\_an-batani-article.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/arts/story/2008/06/080602_an-batani-article.shtml)
- ۳- صفار مقدم. احمد. وندهای رایج در زبان انگلیسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۴- طاهری. علی. صیدی. محمد. فرهنگ نام واژه‌های ترکی به انضمام وندهای اشتقاقی روزاندیش. همدان: ۱۳۸۷.
- ۵- مدرسی، فاطمه. از واج تا جمله. تهران: نشر چاپار، ۱۳۸۶.

- ۶ - وحیدیان کامیار. تقی. «وندها در زبان فارسی». فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی نشریه علمی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد: سال چهارم. ۱۳۸۶.
- ۷- هاجری. ضیاءالدین. فرهنگ وندهای زبان فارسی. تهران: آوای نور، ۱۳۷۷.
- ۸- یاسمی. رشید. دستور زبان فارسی (پنج استاد). تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۶۳.
- ۹- فرزانه. محمدعلی. مبانی دستور زبان آذربایجانی. انتشارات فرزانه، ۱۳۵۸.
- ۱۰- بهزادی. بهزاد. فرهنگ آذربایجانی و فارسی. تهران: نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۸۲.
- ۱۱ - انوری. حسن، احمدی گیوی. حسن. دستور زبان فارسی ۲. تهران: انتشارات فاطمی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۳.
- ۱۲ - ناتل خانلری. پرویز. دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: انتشارات توسن، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.
- ۱۳- فرشیدورد. خسرو. دستور مفصل امروز. انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۸۲.

- 14 \_ Aksan, Doğan. Ttrukçenin gücü. Bilgi. Ankara. . 2003
- 15 \_ Banguoğlu, Ttahsin. Ttürkçenin grammeri. Ankara. . 2004
- 16\_ Hengirmen. Mehmet.. Turkish grammar for foreign students engine- Ankara. 1999
- 17 \_ Korkmaz, Zeynep. Türkiye turkcesi grammeri TDK. Yayinlari. Ankara. 2008
- 18 \_ Tekin. Talat.. Grammar of Orkhon Turkish. Bloominton.
- 19\_ Tosun. Çengiz. Journal of language and linguistic Studies. Vol 1. No2. . 2005
- 20\_ Tule, Gorge,. The study of language , Third Edition, Cambridge university press. 2006
- 21 \_Türkçe -ingilizce sozlük ,Sev matbasi .1998
- 22\_ Yule, Gorge , Tthe study of language (second edition) Cambridge university press. 1996
- 23 \_ Zül fikir, Hamza.. türkçede sözcük yapma yollari Ankara. 1998